



زندگینامه ، القاب و مشخصات و سیره اخلاقی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

امام صادق (علیه السلام) در روز 17 ربیع الاول سال 83 هجری قمری در مدینه متولد گردید. پدر گرامی آن حضرت، امام محمد باقر (علیه السلام) و مادر ارجمندش ام فروه، دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر می باشد. نام شریفش جعفر و لقب معروفش صادق و کنیه اش ابوعبدالله می باشد. شهادت آن حضرت در 25 شوال سال 148 هجری قمری، در 65 سالگی، به دستور منصور دوانیقی، خلیفه ستمگر عباسی، به وسیله سمی که به آن بزرگوار خوراندند، در شهر مدینه اتفاق افتاد، و محل دفنش در قبرستان بقیع است.

خلاصه ای از مشخصات صادق آل محمد

اسم : جعفر

لقبها : صادق- مصدق - محقق - کاشف الحقایق - فاضل - طاهر - قائم - منجی - صابر

کنیه : ابوعبدالله - ابواسماعیل - ابوموسی

نام پدر : حضرت امام محمد باقر (علیه السلام)

نام مادر : فاطمه (ام فروه) دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر

زمان تولد : هفدهم ربیع الاول سال 83 هجری
در روز جمعه یا دوشنبه (بنا بر اختلاف) در هنگام طلوع فجر مصادف با میلاد حضرت رسول . بعضی ولادت ایشان را روز سه شنبه هفتم رمضان و سال ولادت ایشان را نیز برخی سال 80 هجری ذکر کرده اند.

محل تولد : مدینه منوره

عمر شریفش : 65 سال

مدت امامت : 34 سال

زمان رحلت (شهادت) 25 : (شوال سال 148 هجری درباره زمان شهادت نیز گروهی ماه شوال و

دسته ای دیگر 25 رجب را بیان کردند .

قاتل : منصور دوانیقی بوسیله زهر

محل دفن : قبرستان بقیع

زنان معروف حضرت : حمیده دختر صاعد مغربی ، فاطمه دختر حسین بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام)

فرزندان پسر : موسی (علیه السلام) - اسماعیل - عبدالله - افطح - اسحاق - محمد - عباس - علی
فرزندان دختر : ام فروه - فاطمه - اسما که اسماعیل ، عبدالله وام فروه مادرشان فاطمه دختر حسین

بن علی بن حسین (علیهما السلام) (نوه امام سجاد) است . و امام موسی کاظم (علیه السلام) ، اسحاق و محمد که مادرشان حمیده خاتون می باشد . و عباس ، علی ، اسماء و فاطمه که هر يك از مادری به دنیا آمده اند.

نقش روی انگشتر حضرت : ما شاء الله لا قوة إلا بالله ، أستغفرالله .

اصحاب معروف امام صادق (علیه السلام) : ابان بن تغلب - اسحاق بن عمار- برید - صفوان بن مهران - ابوحمزه ثمالی - حریر بن عبدالله سجستانی زراره بن اعین شیبانی - عبدالله بن ابی یعفر-عمران بن عبدالله اشعری قمی .

روز زیارت ایشان : روزهای سه شنبه می باشد .

رخسار حضرت : بیشتر شمایل آن حضرت مثل پدرشان امام باقر (علیه السلام) بود . جز آنکه کمی لاغرتر و بلند تر بودند.

مردی میانه بالا ، سفید روی ، پیچیده موی و پیوسته صورتشان چون آفتاب می درخشید . در جوانی

موهای سرشان سیاه و در پیری سفیدی موی سرشان بر وقار و هیبتشان افزوده بود . بینی اش کشیده و وسط آن اندکی برآمده بود و بر گونه راستش خال سیاه رنگی داشت . ریش مبارك آن جناب نه زیاد پرپشت و نه زیاد کم پشت بود . دندانهایش درشت و سفید بود و میان دو دندان پیشین آن گرامی فاصله وجود داشت . بسیار لبخند می زد و چون نام پیامبر برده می شد رنگ از رخسارش تغییر می کرد.

مختصری از زندگانی حضرت امام صادق (ع)

امام صادق علیه السلام

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رئیس مذهب جعفری (شیعه) در روز 17 ربیع الاول سال 83 هجری چشم به جهان گشود .

پدرش امام محمد باقر (ع) و مادرش "ام فروه" دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر می باشد .

کنیه آن حضرت : "ابو عبدالله" و لقبش "صادق" است . حضرت صادق تا سن 12 سالگی معاصر جد

گرامیش حضرت سجاد بود و مسلماً تربیت اولیه او تحت نظر آن بزرگوار صورت گرفته و امام (ع) از خرمن دانش جدش خوشه چینی کرده است .

پس از رحلت امام چهارم مدت 19 سال نیز در خدمت پدر بزرگوارش امام محمد باقر (ع) زندگی کرد و با این ترتیب 31 سال از دوران عمر خود را در خدمت جد و پدر بزرگوار خود که هر يك از آنان در زمان خویش حجت خدا بودند ، و از مبدأ فیض کسب نور می نمودند گذرانید .

بنابراین صرف نظر از جنبه الهی و افاضات رحمانی که هر امامی آن را دار می باشد ، بهره مندی از محضر پدر و جد بزرگوارش موجب شد که آن حضرت با استعداد ذاتی و شم علمی و ذکاوت بسیار ، به حد کمال علم و ادب رسید و در عصر خود بزرگترین قهرمان علم و دانش گردید .

پس از درگذشت پدر بزرگوارش 34 سال نیز دوره امامت او بود که در این مدت "مکتب جعفری" را پایه‌ریزی فرمود و موجب بازسازی و زنده نگه‌داشتن شریعت محمدی (ص) گردید .

زندگی پر بار امام جعفر صادق (ع) مصادف بود با خلافت پنج نفر از بنی امیه (هشام بن عبدالملک - ولید بن یزید - یزید بن ولید - ابراهیم بن ولید - مروان حمار) که هر يك به نحوی موجب تألم و تأثر و کدورت روح بلند امام معصوم (ع) را فراهم می‌کرده‌اند ، و دو نفر از خلفای عباسی (سفاح و منصور) نیز در زمان امام (ع) مسند خلافت را تصاحب کردند و نشان دادند که در بیداد و ستم بر امویان پیشی گرفته‌اند ، چنانکه امام صادق (ع) در 10 سال آخر عمر شریفش در ناامنی و ناراحتی بیشتری بسر می‌برد.

2. عصر امام صادق علیه السلام

عصر امام صادق (ع) یکی از طوفانی‌ترین ادوار تاریخ اسلام است که از يك سواغتشاشها و انقلابهای پیاپی گروههای مختلف ، بویژه از طرف خونخواهان امام حسین (ع) رخ می‌داد ، که انقلاب "ابو سلمه" در کوفه و "ابو مسلم" در خراسان و ایران از مهمترین آنها بوده است . و همین انقلاب سرانجام حکومت شوم بنی امیه را برانداخت و مردم را از یوغ ستم و بیدادشان رها ساخت .

لیکن سرانجام بنی عباس با تردستی و توطئه ، بناحق از انقلاب بهره گرفته و حکومت و خلافت را تصاحب کردند . دوره انتقال حکومت هزار ماهه بنی امیه به بنی عباس طوفانی‌ترین و پر هرج و مرج ترین دورانی

بود که زندگی امام صادق (ع) را فراگرفته بود .

و از دیگر سو عصر آن حضرت ، عصر برخورد مکتبها و ایدئولوژیها و عصر تضاد افکار فلسفی و کلامی مختلف بود ، که از برخورد ملت‌های اسلام با مردم کشورهای فتح شده و نیز روابط مراکز اسلامی با دنیای خارج ، به وجود آمده و در مسلمانان نیز شور و هیجانی برای فهمیدن و پژوهش پدید آورده بود .

عصری که کوچکترین کم کاری یا عدم بیداری و تحرك پاسدار راستین اسلام ، یعنی امام (ع) ، موجب نابودی دین و پوسیدگی تعلیمات حیات‌بخش اسلام ، هم از درون و هم از بیرون می‌شد .

اینجا بود که امام (ع) دشواری فراوان در پیش و مسؤولیت عظیم بر دوش داشت . پیشوای ششم در گیر و دار چنین بحرانی می‌بایست از يك سو به فکر نجات افکار توده مسلمان از الحاد و بی‌دینی و کفر و نیز مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین باشد ، و از توجیهاات غلط و وارونه دستورات دین به وسیله خلفای وقت جلوگیری کند .

علاوه بر این ، با نقشه‌ای دقیق و ماهرانه ، شیعه را از اضمحلال و نابودی برهاند ، شیعه‌ای که در خفقان و شکنجه حکومت پیشین ، آخرین رمقها را می‌گذراند ، و آخرین نفرات خویش را قربانی می‌داد ،

و رجال و مردان با ارزش شیعه یا مخفی بودند ، و یا در کر و فر و زرق و برق حکومت غاصب ستمگر ذوب شده بودند ، و جرأت ابراز شخصیت نداشتند ، حکومت جدید هم در کشتار و بی‌عدالتی دست کمی از آنها نداشت و وضع به حدی خفقان‌آور و ناگوار و خطرناک بود که همگی یاران امام (ع) را در معرض خطر مرگ قرار می‌داد ، چنانکه زبده‌هایشان جزو لیست سیاه مرگ بودند .

"جابر جعفی" یکی از یاران ویژه امام است که از طرف آن حضرت برای انجام دادن امری به سوی کوفه می‌رفت . در بین راه قاصد تیز پای امام به او رسید و گفت : امام (ع) می‌گوید : خودت را به دیوانگی بزنی ، همین دستور او را از مرگ نجات داد و حاکم کوفه که فرمان محرمانه ترور را از طرف خلیفه داشت از قتلش به خاطر دیوانگی منصرف شد .

جابر جعفی که از اصحاب سر امام باقر (ع) نیز می‌باشد می‌گوید : امام باقر (ع) هفتاد هزار بیت حدیث به من آموخت که به کسی نگفتم و نخواهم گفت ... او روزی به حضرت عرض کرد مطالبی از اسرار به من گفته‌ای که سینه‌ام تاب تحمل آن را ندارد و محرمی ندارم تا به او بگویم و نزدیک است دیوانه شوم.

امام فرمود : به کوه و صحرا برو و چاهی بکن و سر در دهانه چاه بگذار و در خلوت چاه بگو : حدثنی محمد بن علی بكذا وكذا ... ، (یعنی امام باقر (ع) به من فلان مطلب را گفت ، یا روایت کرد .)

آری ، شیعه می‌رفت که نابود شود ، یعنی اسلام راستین به رنگ خلفا درآید ، و به صورت اسلام بنی امیه‌ای یا بنی عباسی خودنمایی کند.

در چنین شرایط دشواری ، امام دامن همت به کمر زد و به احیا و بازسازی معارف اسلامی پرداخت و مکتب علمی عظیمی به وجود آورد که محصول و بازده آن ، چهار هزار شاگرد متخصص (همانند هشام ، محمد بن مسلم و ...) در رشته‌های گوناگون علوم بودند ، و اینان در سراسر کشور پهناور اسلامی آن روز پخش شدند.

هر يك از اینان از طرفی خود ، بازگوکننده منطق امام که همان منطق اسلام است و پاسدار میراث دینی و علمی و نگهدارنده تشیع راستین بودند ، و از طرف دیگر مدافع و مانع نفوذ افکار ضد اسلامی و ویرانگر در میان مسلمانان نیز بودند .

تأسیس چنین مکتب فکری و این سان نوسازی و احیای تعلیمات اسلامی ، سبب شد که امام صادق (ع) به عنوان رئیس مذهب جعفری (تشیع) مشهور گردد.

لیکن طولی نکشید که بنی عباس پس از تحکیم پایه‌های حکومت و نفوذ خود ، همان شیوه ستم و فشار بنی امیه را پیش گرفتند و حتی از آنان هم گوی سبقت را ربودند .

امام صادق (ع) که همواره مبارزی نستوه و خستگی‌ناپذیر و انقلابی بنیادی در میدان فکر و عمل بوده ، کاری که امام حسین (ع) به صورت قیام خونین انجام داد ، وی قیام خود را در لباس تدریس و تأسیس مکتب و انسان سازی انجام داد و جهادی راستین کرد.



3. جنبش علمی

اختلافات سیاسی بین امویان و عباسیان و تقسیم شدن اسلام به فرقه‌های مختلف و ظهور عقاید مادی و

نفوذ فلسفه یونان در کشورهای اسلامی ، موجب پیدایش يك نهضت علمی گردید . نهضتی که پایه‌های آن بر حقایق مسلم استوار بود .

چنین نهضتی لازم بود ، تا هم حقایق دینی را از میان خرافات و موهومات و احادیث جعلی بیرون کشد و هم در برابر زندیقها و مادیها با نیروی منطق و قدرت استدلال مقاومت کند و آرای سست آنها را محکوم سازد . گفتگوهای علمی و مناظرات آن حضرت با افراد دهری و مادی مانند "ابن ابی العوجاء" و "ابو شاکر دیصانی" و حتی "ابن مقفع" معروف است.

به وجود آمدن چنین نهضت علمی در محیط آشفته و تاریک آن عصر ، کار هر کسی نبود ، فقط کسی شایسته این مقام بزرگ بود که مأموریت الهی داشته باشد و از جانب خداوند پشتیبانی شود ، تا بتواند به نیروی الهام و پاکی نفس و تقوا وجود خود را به مبدأ غیب ارتباط دهد ، حقایق علمی را از دریای بیکران علم الهی به دست آورد ، و در دسترس استفاده گوهرشناسان حقیقت قرار دهد.

تنها وجود گرامی حضرت صادق (ع) می‌توانست چنین مقامی داشته باشد ، تنها امام صادق (ع) بود که با کناره‌گیری از سیاست و جنجالهای سیاسی از آغاز امامت در نشر معارف اسلام و گسترش قوانین و احادیث راستین دین مبین و تبلیغ احکام و تعلیم و تربیت مسلمانان کمر همت بر میان بست .
زمان امام صادق (ع) در حقیقت عصر طلایی دانش و ترویج احکام و تربیت شاگردانی بود که هر يك مشعل نورانی علم را به گوشه و کنار بردند و در "خودشناسی" و "خداشناسی" مانند استاد بزرگ و امام بزرگوار خود در هدایت مردم کوشیدند .

در همین دوران درخشان - در برابر فلسفه یونان - کلام و حکمت اسلامی رشد کرد و فلاسفه و حکمای بزرگی در اسلام پرورش یافتند . همزمان با نهضت علمی و پیشرفت دانش بوسیله حضرت صادق (ع) در مدینه ، منصور خلیفه عباسی که از راه کینه و حسد ، به فکر ایجاد مکتب دیگری افتاد که هم بتواند در برابر مکتب جعفری استقلال علمی داشته باشد و هم مردم را سرگرم نماید و از خوشه‌چینی از محضر امام (ع) بازدارد .

بدین جهت منصور مدرسه‌ای در محله "کرخ" بغداد تأسیس نمود . منصور در این مدرسه از وجود ابو حنیفه در مسائل فقهی استفاده نمود و کتب علمی و فلسفی را هم دستور داد از هند و یونان آوردند و ترجمه

نمودند ، و نیز مالک را - که رئیس فرقه مالکی است - بر مسند فقه نشانند ، ولی این مکتبها نتوانستند وظیفه ارشاد خود را چنانکه باید انجام دهند .

امام صادق (ع) مسائل فقهی و علمی و کلامی را که پراکنده بود ، به صورت منظم درآورد ، و در هر رشته از علوم و فنون شاگردان زیادی تربیت فرمود که باعث گسترش معارف اسلامی در جهان گردید . دانش‌گستری امام (ع) در رشته‌های مختلف فقه ، فلسفه و کلام ، علوم طبیعی و ... آغاز شد . فقه جعفری همان فقه محمدی یا دستورهای دینی است که از سوی خدا به پیغمبر بزرگوارش از طریق قرآن و وحی رسیده است .

بر خلاف سایر فرقه‌ها که بر مبنای عقیده و رأی و نظر خود مطالبی را کم یا زیاد می‌کردند ، فقه جعفری توضیح و بیان همان اصول و فروعی بود که در مکتب اسلام از آغاز مطرح بوده است . ابو حنیفه رئیس فرقه حنفی درباره امام صادق (ع) گفت : من فقیه‌تر از جعفرالصادق کسی را ندیده‌ام و نمی‌شناسم .

فتوای بزرگترین فقیه جهان تسنن شیخ محمد شلتوت رئیس دانشگاه الازهر مصر که با کمال صراحت عمل به فقه جعفری را مانند مذاهب دیگر اهل سنت جایز دانست - در روزگار ما - خود اعترافی است بر استواری فقه جعفری و حتی برتری آن بر مذاهب دیگر . و اینها نتیجه کار و عمل آن روز امام صادق (ع) است .

در رشته فلسفه و حکمت حضرت صادق (ع) همیشه با اصحاب و حتی کسانی که از دین و اعتقاد به خدا دور بودند مناظراتی داشته است . نمونه‌ای از بیانات امام (ع) که در اثبات وجود خداوند حکیم است ، به یکی از شاگردان واصحاب خود به نام "مفضل بن عمر" فرمود که در کتابی به نام "توحید مفضل" هم اکنون در دست است .

مناظرات امام صادق (ع) با طبیب هندی که موضوع کتاب "اهلیلجه" است نیز نکات حکمت‌آموز بسیاری دارد که گوشه‌ای از دریای بیکران علم امام صادق (ع) است . برای شناسایی استاد معمولاً دو راه داریم ،

یکی شناختن آثار و کلمات او ، دوم شناختن شاگردان و تربیت‌شدگان مکتبش .

کلمات و آثار و احادیث زیادی از حضرت صادق (ع) نقل شده است که ما حتی قطره‌ای از دریا را

نمی‌توانیم به دست دهیم مگر "نمی از یمی" . اما شاگردان آن حضرت هم بیش از چهار هزار بوده‌اند ، یکی از آنها "جابر بن حیان" است . جابر از مردم خراسان بود . پدرش در طوس به داروفروشی مشغول بود که به وسیله طرفداران بنی امیه به قتل رسید . جابر بن حیان پس از قتل پدرش به مدینه آمد . ابتدا در نزد امام محمد باقر (ع) و سپس در نزد امام صادق (ع) شاگردی کرد . جابر یکی از افراد عجیب روزگار و از نوابغ بزرگ جهان اسلام است .

در تمام علوم و فنون مخصوصا در علم شیمی تألیفات زیادی دارد ، و در رساله‌های خود همه جا نقل می‌کند که (جعفر بن محمد) به من چنین گفت یا تعلیم داد یا حدیث کرد . از اکتشافات او اسید ازتیک (تیزآب) و تیزآب سلطانی و الکل است .

وی چند فلز و شبه فلز را در زمان خود کشف کرد . در دوران "رنسانس اروپا" در حدود 30. رساله از جابر به زبان آلمانی چاپ و ترجمه شده که در کتابخانه‌های برلین و پاریس ضبط است .

حضرت صادق (ع) بر اثر توطئه‌های منصور عباسی در سال 148 هجری مسموم و در قبرستان بقیع در مدینه مدفون شد . عمر شریفش در این هنگام 65 سال بود . از جهت اینکه عمر بیشتری نصیب ایشان شده است به "شیخ الائمه" موسوم است . حضرت امام صادق (ع) هفت پسر و سه دختر داشت .

پس از حضرت صادق (ع) مقام امامت بنا به امر خدا به امام موسی کاظم (ع) منتقل گردید . دیگر از فرزندان آن حضرت اسمعیل است که بزرگترین فرزند امام بوده و پیش از وفات حضرت صادق (ع) از دنیا رفته است . طایفه اسماعیلیه به امامت وی قائلند.

4. خلق و خوی حضرت صادق (ع)

حضرت صادق (ع) مانند پدران بزرگوار خود در کلیه صفات نیکو و سجایای اخلاقی سرآمد روزگار بود . حضرت صادق (ع) دارای قلبی روشن به نور الهی و در احسان و انفاق به نیازمندان مانند اجداد خود بود . دارای حکمت و علم وسیع و نفوذ کلام و قدرت بیان بود .

با کمال تواضع و در عین حال با نهایت مناعت طبع کارهای خود را شخصا انجام می‌داد ، و در برابر آفتاب سوزان حجاز بیل به دست گرفته ، در مزرعه خود کشاورزی می‌کرد و می‌فرمود : اگر در این حال پروردگار خود را ملاقات کنم خوشوقت خواهم بود ، زیرا به کد یمین و عرق جبین آذوقه و معیشت خود و خانواده‌ام

را تأمین می‌نمایم .

ابن خلکان می‌نویسد : امام صادق (ع) یکی از ائمه دوازده‌گانه مذهب امامیه و از سادات اهل بیت رسالت است . از این جهت به وی صادق می‌گفتند که هر چه می‌گفت راست و درست بود و فضیلت او مشهورتر از آن است که گفته شود . مالك می‌گوید : با حضرت صادق (ع) سفری به حج رفتیم ، چون شترش به محل احرام رسید ، امام صادق (ع) حالش تغییر کرد ، نزدیک بود از مرکب بیفتد و هر چه می‌خواست لبیک بگوید ، صدا در گلویش گیر می‌کرد . به او گفتم : ای پسر پیغمبر ، ناچار باید بگویی لبیک ، در جوابم فرمود : چگونه جسارت کنم و بگویم لبیک ، می‌ترسم خداوند در جوابم بگوید : لا لبیک ولا سعدیک.

امام صادق در نگاه دیگران

ابوحنیفه، پیشوای مشهور فرقه حنفی، گفته است: «من دانشمند تر از جعفر بن محمد ندیده ام.» «لو لا السنن لهلك نعمان»؛ یعنی اگر آن دو سال (شاگردی من نزد او) نبود، نعمان هلاک می‌شد. (اسم ابوحنیفه نعمان بن ثابت بوده است). (مالك، پیشوای فرقه مالکی، گفته است: «مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می‌کردم، او را همواره در یکی از سه حالت می‌دیدم؛ یا نماز می‌خواند یا روزه بود و یا قرآن تلاوت می‌کرد، و هرگز او را ندیدم که بدون وضو حدیث نقل کند».

اکنون از باب تیمن و تبرک و جهت بهره‌مندی بیشتر، سخنی چند از آن امام بزرگوار را ذکر می‌کنیم؛

کمال احسان

«لایتم المعروف الابنات خصال؛ تعجیل و تقلیل کثیره و ترک الامتنان به «احسان و نیکی کامل نباشد، مگر با سه خصلت؛ شتاب در آن، کم شمردن بسیار آن، و منت نهادن بر آن.

محاسبه نفس

«حق علی کل مسلم يعرفنا ان يعرض عمله فی کل یوم و لیله علی نفسه فیکون محاسب نفسه، فان رای حسنه استزاد منها، و ان رای سیئه استغفر منها لئلا یخزی یوم القیمه» بر هر مسلمانی که ما را بشناسد، سزاوار است که در هر شبانه روز، عملش را بر خود عرضه دارد و خود حسابگر خویش باشد، اگر حسنه دید بر آن بیفزاید، و اگر گناه دید از آن آمرزش خواهد تا اینکه روز قیامت رسوا نشود.

استقامت

«لو ان شیعتنا استقاموا لصافحتهم الملائکه ولاظلمهم الغمام و لاشرقوا نهارا و لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم و لما سالوا الله شیئا الا اعطاهم» اگر شیعیان ما استقامت می‌ورزیدند، هر آینه فرشتگان با آنها

www.shahadat-ir.ir

دست می دادند و ابرها بر آنها سایه می انداخت و در روز می درخشیدند و از بالای سر و زیر پای خود روزی می خوردند و چیزی از خدا نمی خواستند مگر اینکه به آنها عطا می کرد.

منابع:

تبیان

پایگاه حج و زیارت

مفاتیح الجنان

عرفان

www.shahadat-ir.ir

